

اصول ثابت توسعه چیست؟

در ابتدای فصل اول و تمام فصل سوم کتاب، به اصول ثابت توسعه (دولت حداقل، صنعتی شدن، توجه فراگیر به علم و عقلانیت، سیاست خارجی مدافع اقتصاد ملی، بخش خصوصی فعال، نظام آموزشی کاربردی، حاکمیت کارآمدی در تمامی سطوح نظام اجتماعی، نخبگان ابزاری منسجم، مردم پرکار و مسئولیت‌پذیر، دولت پاسخ‌گو و...) اشاره می‌شود. این اصول از یک کشور به کشور دیگر متحول نمی‌شوند بلکه بسترهای کاربردی و عملی -الگوهای بومی- آن تغییر پیدا می‌کند.



چه رهیافت‌هایی برای توسعه وجود دارند؟

در این باره، دو رهیافت جامعه‌محور و نخبگان‌محور در فصل اول و فصل چهارم بیان می‌شوند.

الف: رهیافت جامعه‌محور: این رهیافت در صورتی موفق خواهد بود که در کشور نظام حزبی وجود داشته باشد، اکثریت مردم به لحاظ منابع مالی به دولت وابسته نبوده و رسانه‌ها مستقل از دولت باشند. به عبارت دیگر، مجموعه تشکلهای حزبی، رسانه‌ها و سیستم قانونی، قوی‌تر از مجموعه حاکمیت سیاسی و اقتدار یک کشور باشد. در میان کشورهای جهان سوم جز هند، نمونه دیگری از نظام جامعه‌محور سراغ نداریم.

ب: رهیافت نخبگان‌محور: این تنها رهیافت کارآمد و عملی در جهان سوم است که جامعه ضعیف دارد و تشکل حزبی در آن شکل نگرفته است و فرهنگ فردی مثبت در ابتدای خود قرار دارد. مالزی، سنگاپور، کره جنوبی، چین، برزیل و آرژانتین از نمونه‌های بارز و موفق رهیافت نخبگان‌محور می‌باشند. البته رهیافت نخبه‌گرایانه به معنای نخبه‌سالاری نیست، بلکه به معنای ورود شایسته‌ترین و توانمندترین افراد به سیاست و حوزه تصمیم‌گیری جامعه است. این نخبگان سیاسی (ابزاری) و فکری باید «مسئولیت موقت» توسعه‌یافتگی را برعهده گیرند.

شرایط لازم برای موفقیت رهیافت نخبه‌محور چیست؟

شرایط لازم برای موفقیت جهان سوم در فصول اول، پنجم -جایگاه برداشت‌های مشترک نخبگان و توسعه‌یافتگی- و فصل ششم -اصول ثابت توسعه سیاسی- آمده است. فهم مشترک نخبگان ابزاری و فکری از شرایط داخلی و جهانی تعیین‌کننده‌ترین عامل در هدایت و شکل‌گیری و تصمیم‌گیری نسبت به اصول دیگر است که به همراه استراتژی نخبه‌گرایانه عناصر لازم برای پیشرفت در کشورهای در حال توسعه هستند.

این اصول عبارتند از:

نظام اقتصادی غیر رانتیر

ناسیونالیسم قوی نخبگان ابزاری یا دلبستگی قابل توجه به توسعه‌یافتگی (رهبران نوساز)

فهم مشترک نخبگان ابزاری و فکری از شرایط داخلی و جهانی (مهم‌ترین اصل) اتصالات تکنولوژیک و علمی و مدیریتی با غرب سیاست خارجی هموارکننده دریافت سرمایه خارجی فرهنگ اقتصادی، سیاسی و اجتماعی علاقه‌مند به توسعه‌یافتگی رایج بین‌المللی محیط امنیتی (داخلی و خارجی) قابل اتکا و باثبات

نظریه انسجام درونی چه می‌گوید؟

نظریه انسجام درونی درباره الزامات نظام داخلی توسعه‌یافتگی است که در فصل دوم از آن بحث می‌شود و شامل شش مرحله زیر است: اجماع فکری نخبگان ابزاری و فکری از شرایط داخلی و جهانی

لذت، معنای واقعی‌تری بخشیده است. مهم‌ترین میوه تربیت جدید، سوق دادن انسان به یک نوع عقل‌گرایی است که در حقیقت مشتق علم‌گرایی می‌باشد و بشر را به‌سوی محاسبه هدایت کرده است.» (صص ۳-۲۵۱)

از نظر قلمرو جغرافیایی نیز کتاب بر مسائل جهان سوم در رابطه با توسعه و به‌طور ویژه بر اوضاع اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ایران متمرکز می‌شود. به طوری که حدود نیمی از کتاب (بخش سوم و چهارم) به آن اختصاص یافته است.

سؤال‌های اصلی و فرعی

سؤال اصلی کتاب: بررسی رهیافت‌های تحول و پیشرفت است. سؤال‌های فرعی نیز عبارتند از:

کشورهای توسعه یافته چه مراحل را برای رسیدن به پیشرفت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی طی کرده‌اند؟

کشورهای جهان سوم چه مراحل را باید طی کنند؟

۳ و ۴. وضع کنونی آن‌ها نسبت به شرایط مطلوب چگونه است؟ و چه موانعی را باید از سر راه بردارند؟

ایران به عنوان یک کشور مستعد جهان سومی در چه وضعیتی قرار دارد و چه مراحل و مشکلاتی برای توسعه پیش رو خواهد داشت؟

سامان‌دهی کتاب

بخش اول مقدمه نظری شامل فصل اول با عنوان «مکتب تحول شخصیت ایرانی» است که در واقع می‌تواند پایه‌ای‌ترین قسمت و چکیده‌ای از تمام کتاب تلقی شود و مطالب آن در ادامه کتاب به‌طور مفصل و جزء به جزء شرح داده شده است. بخش دوم کتاب با عنوان «پایه‌های نظری توسعه‌یافتگی» شامل فصل‌های دوم تا هفتم با عناوین نظریه انسجام درونی، اصول ثابت توسعه، نخبگان و توسعه‌یافتگی، جایگاه برداشت مشترک نخبگان و توسعه‌یافتگی، اصول ثابت توسعه سیاسی و فرهنگ علمی و فرهنگ عمومی است.

بخش سوم با عنوان «جهان سوم و توسعه‌یافتگی» شامل فصول هشتم تا چهاردهم با عناوین بررسی ساختاری مسائل جهان سوم، فرهنگ توسعه و جهان سوم، آزادی و توسعه‌یافتگی در جهان سوم، اجماع نظر بین‌المللی پیرامون توسعه‌یافتگی، پیامدهای فروپاشی شوروی در جهان سوم، خودکفایی و استقلال و ضرورت‌های تربیتی برای انسان قرن بیستویکم است.

بخش چهارم نیز با عنوان «ایران و توسعه‌یافتگی» شامل فصول پانزدهم تا بیست‌وسوم (یعنی آخرین فصل) می‌باشد که عناوین آن‌ها عبارت است از: چالش‌های پیش روی ایران و دورنمای آینده، استراتژی ملی فراسیاسی، چرا غرب‌شناسی؟ تلقی‌های کهنه و تحولات جدید، توسعه اقتصادی و سیاست خارجی، ابهامات تئوریک اصلاحات، راه دشوار دموکراسی، جابه‌جایی نسل‌ها و تحولات آیند ایران.

شایان ذکر است مطالب این بخش همه به جز فصل ۱۸ (چرا غرب‌شناسی؟) تلقی‌های کهنه و تحولات جدید) در قالب مصاحبه‌هایی که قبلاً در رسانه‌ها چاپ شده‌اند، سامان‌دهی شده است.

نگاهی به برخی از مهم‌ترین مباحث کتاب

اکنون به طور گذرا به مرور برخی از مهم‌ترین مباحث کتاب در مورد اصول ثابت توسعه، رهیافت‌های توسعه، شرایط لازم برای موفقیت رهیافت نخبه‌محور، نظریه انسجام درونی، تطبیق نظریات کتاب با نظریات توسعه‌یافتگی، ویژگی‌های عقلانیت، موانع عقلانیت و لوازم توسعه در ایران خواهیم پرداخت.